روزهای خوب برای تئاتر کشور پیش روست

محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی: خدا را شکر این روزها به لطف دوستان، شاهد اتفاقات خوبی در تئاتر کشور هستیم. اکنون در جشنواره تئاتر فجر ۴۲ استقبال پرشوری را می‌بینیم، گروه‌های شهرستانی اجراهای خوبی داشتند و این موضوعات نوید روزهای خوب برای تئاتر کشور را می‌دهد.

تولید سالانه بیش از ۴ هزار برنامه برای تلویزیون

روح‌الله حضرت‌پور، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس: آنچه مجلس در قالب بودجه ۱۴۰۳ مصوب کرد، متناسب‌سازی اعتبارات صداوسیما با تکالیف جدیدی است که برای این رسانه تعریف شده، براساس برنامه هفتم توسعه، تولید ۱۱۰۰ مجموعه تلویزیونی و ۲۹۲۰ پویانمایی در هر سال، بخشی از تکالیف سازمان صداوسیماست.

آزیتا ترکاشوند، بازیگر مجموعه تلویزیونی بیست کویید:

در برابر جنگ غزه نمی‌توانستم سکوت کنم

متولد: ۱۳۵۹- بروجرد

حرفه: بازیگر سینما و تلویزیون

بخشی از آثار: بازی در سریال‌های تلویزیونی کلاه‌پهلوی، حکم رشد، گاندو، گذر از رنج‌ها، شب شیشه‌ای و... فیلم‌های سینمایی زهرمار، دا، مستانه و...

گفت‌وگو
پریسا نوری
روزنامه‌نگار

آزیتا ترکاشوند که با «مه لقای» سریال «گذر از رنج‌ها» در قامت یک زن قوی و مسئولیت‌پذیر در ذهن مخاطبان تلویزیون جا باز کرد، بعدها با به تصویر کشیدن چهره یک مادر رنج کشیده در فیلم سینمایی «دا» خوش درخشید؛ این هنرمند بلافاصله پس از این نقش، در سریال «گاندو» در هیبت یک زن جاسوس حرفه‌ای ظاهر شد. حضورش در مجموعه تلویزیونی «بیست کویید» که این شب‌ها از شبکه ۳ سیما پخش می‌شود، بهانه‌ای شد تا با او درباره زندگی هنری، دغدغه‌ها و فعالیت‌های این روزهایش هم‌صحبت شویم.

دهه ۸۰ با حضور در مجموعه تلویزیونی «طبقه دوم» وارد دنیای بازیگری شد و در این سال‌ها نقش‌های متفاوت و متنوعی را در سینما و تلویزیون ایفا کرد.

برای مخاطبانی که مجموعه تلویزیونی «بیست کویید» را ندیده‌اند، آن را چطور معرفی می‌کنید؟

مجموعه طنزی است که درباره روزهای تلخ شیوع ویروس کرونا ساخته شده است. در این سریال اتفاقات کرونا، زندگی عادی یک خانواده را به هم می‌ریزد و آنها را درگیر یک‌سری حواشی می‌کند. داستان سریال زحمات کادر درمان و گروه‌های جهادی که در آن روزهای سخت همراه و همدل مردم بودند را به تصویر می‌کشد و پیامش این است که ما ایرانی‌ها در سختی‌ها و روزهای بحرانی پشت هم هستیم و این اتحاد رمز پیروزی و موفقیت ماست.

درباره نقش‌تان در این سریال هم کمی توضیح می‌دهید؟

نقش خانم «آرامش» که سرپرستار بیمارستان است را بازی می‌کنم. خانم آرامش یک شخصیت جدی، سختگیر و متعهد و در عین حال بسیار مهربان و دوست‌داشتنی دارد. یکی از دلایلی که این نقش را قبول کردم همین مثبت بودن نقش است؛ چون چند کار منفی بازی کرده بودم و دوست داشتم در یک نقش مثبت ظاهر شوم.

با پخش نیمی از سریال مخاطبان درگیر قصه نسبتا پرفراز و نشیبی شده‌اند. این روند تا پایان داستان ادامه دارد؟

همین‌قدر بگویم که در قسمت‌های آینده فراز و فرودها بیشتر و جذاب‌تر می‌شود؛ به‌طوری که مخاطب نمی‌تواند پیش‌بینی کند که قرار است چه اتفاقی بیفتد.

برای ایفای این نقش به چالشی برنخوردید؟

سریال در مشهد فیلمبرداری می‌شد و ما چندماه از خانه و خانواده دور بودیم که همین موضوع کار را کمی دشوار می‌کرد. همچنین کار در فصل تابستان و اوج گرمای هوا ضبط شد و من با لباس‌های مخصوص بیمارستان و شیلد و ماسک حسابی عرق می‌ریختم. تازه آن موقع متوجه شدم که کادر درمان که در آن شرایط واقعی در معرض آلوده شدن به ویروس هم بودند و به این صورت کار می‌کردند چه رنج و زحمتی را متحمل شده‌اند.

نقاط مثبت سریال از نظر شما چیست؟

گروه خیلی قوی و کارگردان کاربلدی داشتیم و بازیگران مشهدی هم خیلی خوب و بااستعداد و باسواد هنری بودند.

با توجه به اینکه قصه این سریال روزهای تلخ کرونا را با زبان طنز روایت کرده، از منظر شوخی با کرونا بازخورد منفی نگرفتید؟

بر هیچ‌کس پوشیده نیست که چه روزهای سخت و تلخی را پشت سر گذاشتیم و چه عزیزانی را از دست دادیم؛ درواقع از آن دوره می‌توان به‌عنوان مصیبت بزرگ قرن یاد کرد، اما وقتی از مصیبت‌ها فاصله می‌گیریم می‌بینیم که چقدر رشد کرده و آموخته‌ایم. یاد گرفتیم بیشتر قدر هم را بدانیم، همدیگر را دوست داشته باشیم، عزیزانمان را در آغوش بگیریم و قدرشان را بدانیم. حالا این سریال با نگاه متفاوت و چاشنی طنز، آن دوره تلخ را مرور کرده که اگر این تم طنز نبود، مخاطب آن را پس می‌زد و برایش جذابیت نداشت. علاوه بر اینها، ما در مقطعی هستیم که مخاطب به‌دنبال کارهای طنز است.

چه بازخوردی از این سریال گرفتید؟

همین نگاه طنز به آن دوره خیلی مورد توجه قرار گرفته و هر جا می‌روم مردم می‌گویند دلشان می‌خواهد کار طنز ببینند. البته این مختص این سریال نیست؛ در این سال‌ها به‌عنوان بازیگر تلویزیون در هر شهر و روستایی که رفته‌ام علاوه بر اینکه مورد لطف و محبت مردم قرار گرفته‌ام، متوجه شده‌ام که مردم دلشان می‌خواهد تلویزیون سریال‌های طنز پخش کند.

با وجود اینکه چندین نقش سینمایی در کارنامه حرفه‌ای‌تان دارید، در خیلی جاها خودتان را بازیگر تلویزیون معرفی کرده‌اید. برای این کار دلیل خاصی دارید؟

بله، من در سریال‌های نمایش خانگی و فیلم‌های سینمایی هم بازی کرده‌ام، اما تلویزیون باعث شد به‌عنوان بازیگر دیده شوم؛ برای همین اگر در یک‌سال حتی چندین فیلم سینمایی کار کنم باز هم خودم را از خانواده تلویزیون می‌دانم. درواقع اخلاق حکم می‌کند قدردان جایی باشم که باعث رشدم شده و برایم سرمایه‌گذاری کرده است.

نقش‌های مثبت و منفی بسیاری هم بازی کرده‌اید، کدام نقش‌تان بیشتر شبیه شخصیت اصلی‌تان است؟

نقش «مه‌لقا» در سریال گذر از رنج‌ها را که یک مادر از خودگذشته است،از خیلی شبیه خودم می‌دانم؛ چون همیشه در خانواده و اطرافیانم به از خودگذشتگی مادرانه معروف هستم و به نوعی برای کوچک و بزرگ مادری می‌کنم.

این ویژگی مشترک بسیاری از خواهران بزرگ خانواده‌هاست. احتمالا شما هم خواهر بزرگ‌تر هستید؛ درست است؟

(می‌خندد) نه خواهر وسطی هستم.

چند خواهر و برادر دارید و آیا آنها هم مثل شما فعالیت هنری دارند؟

خوشبختانه ما خانواده پرجمعیتی هستیم. ۵ خواهر و برادر دارم، ولی هیچ‌کدام دنبال بازیگری نرفته‌اند.

تجربه بزرگ شدن در خانواده پرجمعیت چگونه است؟

خیلی تجربه شیرینی است. در خانواده پرجمعیت بچه‌ها سختکوشی و کارگروهی را یاد می‌گیرند و خلاقیتشان شکوفا می‌شود. من خوشحالم که خانواده پرجمعیتی دارم؛ چون الان که بزرگ شدیم می‌بینم یک گردان آدم پشت سرم است. (با خنده)

این روزها مشغول بازی در چه فیلم یا سریالی هستید؟

فقط همینقدر می‌توانم بگویم که مشغول ضبط یک کاری در شهر یزد هستیم، ولی چون رسانه‌ای نشده نمی‌توانم درباره آن صحبت کنم. این موضوع در قراردادمان قید شده که عوامل پیش از اعلام رسمی، اجازه مصاحبه ندارند.

کاری هم آماده پخش دارید؟

۲ کار تلویزیونی قرار است به‌زودی پخش شود؛ یکی سریالی به نام «ناریا» به کارگردانی آقای جواد افشار و یکی سریالی به نام «الف».

به‌زعم خودتان بعد از پخش کدام فیلم و سریال به‌عنوان بازیگر در میان مردم شناخته شدید؟

بعد از بازی در سریال «کلاه پهلوی» دیده و در سریال «گذر از رنج‌ها» به‌خوبی شناخته شدم، ولی سریال «هیولا» به کارگردانی آقای مهران مدیری نقطه عطف و پرش مجدد من در بازیگری بود.

از جمله هنرمندانی هستید که به رویدادهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی واکنش نشان می‌دهید که آخرینش بیان موضع‌تان درباره جنگ غزه بود. این بی‌تفاوت نبودن را رسالت اجتماعی هنرمندان می‌دانید؟

معتقدم وقتی تریبون داری و تا حدودی صدایت شنیده می‌شود، باید یک جاهایی حرف بزنی. من به‌عنوان یک ایرانی که سیاستمدار و جامعه‌شناس نیستم، در برابر رویدادهایی مثل جنگ غزه نمی‌توانم سکوت کنم، اما نظرم صرفا دیدگاه خودم است و ادعایی ندارم که تریبون گروهی هستم.

با این اوصاف ارتباط‌تان با فضای مجازی خوب است؟

خیلی خودم را درگیر فضای مجازی نمی‌کنم؛ چون از اسمش پیداست که واقعی نیست. در اینستاگرام صفحه دارم و نظرات مردم را می‌خوانم، ولی نمی‌توانم پاسخگوی همه باشم.

مدتی قبل با انتشار چند عکس، شایعاتی درباره ازدواج شما در فضای مجازی منتشر و البته بلافاصله تکذیب شد. دراین‌باره بیشتر توضیح می‌دهید؟

آن عکس‌ها مربوط به سکانس‌هایی از یک‌سریال شبکه نمایش خانگی به نام «اسپینجر» بود. این شایعات را جدی نمی‌گیرم و اهمیتی نمی‌دهم.

مخاطبان فضای مجازی خیلی دوست دارند بدانند راز جوانی‌تان چیست؟

(می‌خندد) اگر سلامت زندگی کنی، یک آرامش درونی داری که باعث بروز در ظاهر فرد هم می‌شود. درواقع سیرت سلامت باعث می‌شود صورتت هم سالم و جوان به‌نظر برسد.

شما ورزشکار هم هستید و کمربند مشکی کاراته دارید. همچنان این راه را ادامه می‌دهید؟

مربوط به سال‌های گذشته است. الان نمی‌توانم ورزش سنگینی مثل کاراته انجام دهم و با گذر زمان رنگ کمربندم پریده و قهوه‌ای شده. (می‌خندد)

اصالتا بروجردی و از اقوام لر هستید؟

بله. از سمت مادری و پدری اصالتم به لرهای بروجرد می‌رسد. به اصالتم افتخار می‌کنم و هنوز هم در خانه لری حرف می‌زنم.

آخرین بار کی به بروجرد سفر کردید؟

همین اواخر چون خواهرها و برادرها و بیشتر اقوامم آنجا زندگی می‌کنند.

اگر بگویند یک آرزویتان برآورده می‌شود، چه آرزویی می‌کنید؟

چند سال پیش برادر و برادرزاده‌ام را در تصادف از دست دادم. آرزو می‌کردم آن تصادف رخ نمی‌داد و آنها الان زنده بودند.

در شهرستان‌ها معروف‌تر هستیم

آزیتا ترکاشوند شیرین‌ترین خاطره دوره بازیگری‌اش را چنین به یاد می‌آورد: «لحظه به لحظه کار ما خاطره است؛ خاطراتی که اغلب در ذهن‌ها ماندگار می‌شود. اما بخش شیرین آن وقتی است که می‌بینی در هر شهری که می‌روی مردم تو را با سریالی که بازی کرده‌ای می‌شناسند و مورد لطف قرار می‌دهند. وقتی عشق بی‌نهایت مردم را می‌بینم، بال درمی‌آورم و احساس خوشبختی می‌کنم. در اغلب شهرها و شهرستان‌ها و حتی روستاها مردم مخاطب اصلی تلویزیون هستند؛ چون دسترسی چندانی به سینما یا پلتفرم‌ها ندارند؛ از این‌رو ما بازیگرهای تلویزیون در شهرستان‌ها معروف‌تر هستیم.»

از دوربین می‌ترسیدم

رشته تحصیلی خانم بازیگر، ادبیات فارسی است و قبل از بازیگر شدن دستی در نوشتن داشته است، ولی دست روزگار او را به دنیای بازیگری کشانده است. ترکاشوند دراین باره می‌گوید: «بازیگر شدن من خیلی اتفاقی بود. برای سریال «شاهین باباپور» به اسم «طبقه دوم» آیتم می‌نوشتم. از من خواست به جای یکی از شخصیت‌ها که زنی قدرتمند و از نظر فیزیکی شبیه من بود بازی کنم. اول قبول نکردم و گفتم از دوربین می‌ترسم؛ خلاصه اینکه با اصرار و کمک کارگردان جلوی دوربین رفتم و ترسم ریخت و همان باعث شد در سریال‌های دیگر مثل «شب مهتاب» و «همسفران» بازی کنم و یک دفعه به‌خودم آمدم و دیدم بازیگر شده‌ام.» او در پاسخ به این پرسش که از انتخاب این حرفه پشیمان نیستید، با اقتدار تأکید می‌کند: «بارها و بارها خسته شده‌ام؛ چون بازیگری هم مانند هر شغل دیگری ناملایمات خودش را دارد، اما هرگز پشیمان نیستم؛ چون معتقدم حتما حکمتی در کار بوده که بازیگر شده‌ام.»

چند کیسه فریزر و یک دسته بادکنک خوش‌رنگ

ترکاشوند معتقد است یکی از مزایای بزرگ شدن در خانواده پرجمعیت این است که بچه‌ها خلاق بار می‌آیند و دراین‌باره خاطره‌ای از دوره کودکی‌اش تعریف می‌کند: «بادم هست بچه همسایه‌مان که همسن من بود چند بادکنک رنگی داشت و در کوچه با آنها بازی و دل ما را آب می‌کرد. به خانه رفتم و گریه‌کنان از پدر و مادرم خواستم برایم چند بادکنک بخرند، اما در خانواده ما به‌دلیل وجود پدری نظامی، با وجود شلوغی یک نظم و قانونی حاکم بود؛ خلاصه اینکه پدرم قبول نکرد. خواهر و برادرهایم گفتند اشکالی ندارد خودمان برایت درست می‌کنیم. یادش بخیر، آنها دست به‌کار شدند و چند کیسه فریزر را باد کرده و با ماژیک رنگی یک دسته بادکنک خوش‌رنگ برایم درست کردند. من هم با خوشحالی بادکنک‌های ساختگی را گرفتم و به کوچه رفتم تا با دوستم بازی کنم.»

فیلم کده

آخر هفته چی ببینیم؟

نیمه زمستان از راه رسیده و شبکه‌های مختلف تلویزیون و نمایش خانگی، برنامه‌های متنوعی را برای پر کردن اوقات فراغت و گرم‌شدن محفل خانوادگی در این روزهای سرد زمستانی تدارک دیده‌اند. با هم برخی از این برنامه‌ها را که آخر این هفته پخش می‌شوند، مرور می‌کنیم.

سریال
مستوران

ژانر: تاریخی
تهیه‌کننده: عطا پناهی
کارگردان: علی هاشمی
بازیگران: بهنام تشکر، کاوه خداشناس، محیا دهقانی، ثریا قاسمی، فرهاد آئیش، فاطمه گودرزی، رویا میرعلمی، رابعه اسکویی
بستر پخش: شبکه اول سیما

معرفی: عاشقانه‌ای برگرفته از قصه‌ها و افسانه‌های کهن ایرانی که تلاش می‌کند با استفاده از نشانه‌هایی همچون «کتاب لوح» و تلفیق آن با عرفان ایرانی و اسلامی چنان به عمق روایت‌های ناشی از ادبیات کهن ایران نفوذ کند که همه‌چیز در جای خود و به درستی شکل بگیرد. سریالی که قابی از زندگی مردمانی را به تصویر می‌کشد که در سال‌های حکومت صفویان و غزنویان به‌سرمی‌برند.

سریال
قصه‌های دهکده

ژانر: درام/کمدی
تهیه‌کننده: انگلیس
بستر پخش: شبکه دو سیما

معرفی: تاریخچه‌ای الهام‌بخش و طنز از زندگی دامپزشکی جوان در یورکشایر دیلز در دهه ۳۰ میلادی را به تصویر می‌کشد و براساس اتوبیوگرافی «جیمز هریوت» با عنوان «فقط اگر آنها هم می‌توانستند صحبت کنند» ساخته شده است. نیرو محرکه سریال نه از اتفاقات عجیب و غریب بلکه از مسائل پیش پاافتاده و روزمره خانوادگی و کاری است که داستان هر قسمت سریال را پیش می‌برد.

برنامه
رئالیتی‌شو اسکار

ژانر: سرگرمی/کمدی
تهیه‌کننده: محمد شریفی، کژال نوری
کارگردان: مهران مدیری
مجری: نیما شعبان‌نژاد و مهران مدیری
بستر پخش: فیلیمو

معرفی: ۲ گروه شرکت‌کننده حضور دارند که باید چالش مخصوصی را که به آنها اختصاص داده می‌شود انجام دهند. هرچه چالش خلاقانه‌تر انجام شود، نمره‌ای را که داور اصلی به شرکت‌کننده خواهد داد بالاتر است. رقابت این رئالیتی‌شو، بر سر جایزه‌ای به نام اسکار است. اگر فردی کمترین امتیاز را دریافت کند، به او مسئولیتی اجتماعی محول خواهد شد که باید آن را انجام دهد.

برنامه
تاک‌شوی شباهنگی

ژانر: سرگرمی/مسابقه
تهیه‌کننده: محمدرضا صابری
کارگردان و مجری: حامد آهنگی
بستر پخش: فیلم‌نت

معرفی: برنامه‌ای مفرح که با اجرای موسیقی زنده و خوانندگی تماشاگران برگزار می‌شود و شوخی‌های مجری با مهمانان و شرکت‌کنندگان محور اصلی برنامه است.